

فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال نهم، شماره سوم (پیاپی ۳۳)، پاییز ۱۳۹۹

شاپای چاپی ۲۱۳۱-۲۳۲۲ شاپای الکترونیکی ۴۷۶X-۲۵۸۸

<http://serd.khu.ac.ir>

صفحات ۱۴۰-۱۱۳

رویکردی تطبیقی به ارزیابی و تحلیل محتوای مقالات علمی فقر روستایی در ایران^۱

محمدامین خراسانی*؛ استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
سیدحسن مطیعی لنگرودی؛ استاد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
مجید محمدی؛ کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

پذیرش نهایی: ۱۳۹۸/۱۲/۲۳

دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۱۰/۱۴

چکیده

فقر پدیده چندبعدی و گسترده‌ای است که همواره دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی جهت کاهش آن تلاش می‌کنند. با این حال، فقر روستایی نمود بارزتری دارد. یکی از چالش‌های مهم جوامع روستایی مسئله فقر است که اندیشه بسیاری از صاحب‌نظران مسائل روستایی را به خود معطوف داشته است. در روستاها به علت شرایط جغرافیایی، نوع معیشت و توانایی کمتر در مقابله با حوادث، فقر قلمرو گسترده‌تری دارد. فقر در نواحی روستایی مسائلی چون ایجاد نابرابری، مهاجرت به شهرها، تخلیه روستاها، آسیب‌پذیری محیطی روستاها، افزایش بیکاری و بسیاری از مسائل دیگر را در پی دارد. تحقیق حاضر باهدف بررسی تطبیقی پژوهش‌های انجام شده در زمینه فقر روستایی و همچنین شناخت ابعاد و متغیرهای مؤثر بر فقر روستایی در دهه‌های ۱۳۸۰ و ۱۳۹۰ انجام شده است. این تحقیق بر اساس هدف کاربردی و بر اساس روش مبتنی بر فراتحلیل کمی مقالات است. جهت گردآوری اطلاعات از روش کتابخانه‌ای و مرور مقالات منتشرشده در زمینه فقر روستایی استفاده شده است. نتایج حاصل از تحقیق نشان می‌دهد که بعد اقتصادی و متغیرهای مربوط به آن بیشتر از سایر ابعاد مورد توجه واقع شده است. همچنین در میان مقالات مورد بررسی در مجلات مختلف، مقالات جغرافیایی با توجه به ماهیت بین‌رشته‌ای آن‌ها، ابعاد گسترده‌تری را مورد بررسی قرار داده‌اند.

واژگان کلیدی: مطالعات فقر، مطالعات روستایی، فقر روستایی، فقر اقتصادی، تحلیل محتوا.

^۱ - این مقاله مستخرج از پایان نامه کارشناسی ارشد آقای مجید محمدی با عنوان "سنجش و تحلیل فضایی فقر در نواحی روستایی شهرستان کوهدشت" در دانشکده جغرافیا دانشگاه تهران است.

* khorasani_ma@ut.ac.ir

(۱) مقدمه

فقر مقوله‌ای است جهانی که هم کشورهای در حال توسعه و هم کشورهای توسعه یافته نسبت به آن نگرانی‌های خاص خود را دارند و سازمان‌های بین‌المللی برای کاهش آن تلاش می‌کنند. این تلاش ابعاد چندگانه‌ای دارد که محققین با توجه به دیدگاه و رشته مطالعاتی خود به بررسی آن از جنبه‌های مختلف می‌پردازند. در ایران نیز قانون اساسی و سندهای قانونی همچون سند چشم‌انداز و قانون برنامه به صورت مستقیم بر کاهش فقر تأکید دارند و برنامه‌های متعددی در جهت کنترل و کاهش آن مدنظر سیاستمداران بوده است (معصومی، ۱۳۹۰).

در سند چشم‌انداز بیست‌ساله جمهوری اسلامی ایران، ویژگی‌های مختلف ایران در افق سال ۱۴۰۴ هجری شمسی مطرح شده است. بخشی از این ویژگی‌ها عبارت است از ایرانی برخوردار از سلامت، رفاه، امنیت غذایی، تأمین اجتماعی، فرصت‌های برابر، توزیع مناسب درآمد و به‌دوراز فقر و فساد (خداداد کاشی و حیدری، ۱۳۸۸). همچنین در مواد مختلف برنامه ششم، دولت موظف به اقداماتی در جهت بهبود زندگی گروه‌های کم درآمد و روستاییان شده است. بنابر ماده ۲۷ برنامه ششم دولت موظف است برای ارتقای منزلت روستاییان و ایجاد بستر مناسب برای شکوفایی و پیشرفت عدالت محور روستاها به انجام اقداماتی مانند اشتغال‌زایی در روستاها، شفافیت اعتبارات مربوط به روستاها، توسعه کسب‌وکار روستایی، ساخت نواحی صنعتی روستایی، آموزش روستاییان و جلب مشارکت روستاییان مبادرت ورزد (قانون برنامه ششم توسعه: ۳). همچنین بنا بر ماده ۸۳ برنامه ششم توسعه سازمان‌های مناطق آزاد مکلف‌اند به منظور زدودن فقر از چهره مناطق آزاد تجاری یک درصد از محل وصول عوارض ورود کالا و خدمات این مناطق را پس از واریز به خزانه کل کشور از طریق کمیته امداد امام خمینی (ره) و سازمان بهزیستی برای اشتغال محرومان و نیازمندان بومی این مناطق اختصاص دهند (قانون برنامه ششم توسعه: ۱۱۳).

یکی از فقیرترین و آسیب‌پذیرترین گروه‌های موجود در جوامع، به‌ویژه در جهان سوم، روستاییان هستند. در سال ۲۰۰۱، حدود ۱/۲ میلیارد نفر در جهان در شرایط فقر مصرفی حاد قرار داشته‌اند که حدود سه‌چهارم آن‌ها، یعنی ۹۰۰ میلیون نفر، در نواحی روستایی زندگی می‌کنند. همچنین پیش‌بینی شده است که تا سال ۲۰۲۵، بیش از نیمی از آن‌ها در همین شرایط باقی خواهند ماند (زاهدی مازندرانی، ۱۳۸۴: ۱۸ به نقل از گزارش ایفاد). در ایران نیز، این پدیده در جوامع روستایی وجود دارد. گفته شده است که در هر سطحی از مصرف، نرخ فقر در نواحی روستایی بیشتر از نواحی شهری است (محمودی، ۱۳۸۶: ۱۲۲). فقر در نواحی روستایی مسائلی چون ایجاد نابرابری در درون جامعه روستایی، مهاجرت به شهرها، تخلیه روستاها، آسیب‌پذیری محیطی روستاها، افزایش بیکاری، کاهش شمار تولیدکنندگان و تولیدات بخش کشاورزی، افزایش وابستگی اقتصادی به دیگر کشورها، بالا رفتن آمار بزهکاری، کاهش امنیت عمومی و بسیاری از مسائل دیگر را در پی دارد (رضوانی، ۱۳۸۷: ۳). کشور ما نیز همانند کشورهای در حال توسعه با مسئله فقر و گستردگی این پدیده در نواحی روستایی مواجه است و از مهم‌ترین مشکلات نواحی روستایی به شمار می‌رود. بدین‌سان در فرایند توسعه روستایی مسائلی نظیر

فقرزدایی، تأمین نیازهای اساسی و توانمندسازی فقرا در زمینه‌های مختلف از جایگاه اساسی برخوردار است (رضوانی، ۱۳۸۷: ۱۲).

برنامه‌های مبارزه با فقر همان اندازه که به کارایی سیاست‌گذاری و نحوه اجرای برنامه وابسته است، به شناخت ابعاد مختلف پدیده فقر، دلایل و پیامدهای آن نیز نیاز دارد (نجفی و شوشتریان، ۱۳۸۶). در واقع بررسی وضعیت فقر در یک جامعه و آگاهی از آن نخستین گام در راه برنامه‌ریزی برای مبارزه با فقر و محرومیت است (خالدی و پرمه، ۱۳۸۴). در واقع تنها گرسنگی و نبود امکانات فقرا را رنج نمی‌دهد، بلکه عدم حضور در جامعه و مشارکت‌ها، احساس شرم در مقابل خواسته‌های فرزندان و ناامیدی، از جمله مهم‌ترین مشکلاتی هستند که بیشتر از گرسنگی فقرا را رنج می‌دهد (Singer, 2009). بنابراین می‌توان گفت فقر پدیده‌ای چندبعدی است، یعنی نه تنها شامل بعد اقتصادی برای تأمین نیازهای اساسی است، بلکه شامل بعد انسانی، زیست‌محیطی، اجتماعی و سیاسی نیز می‌شود (Zeller et al, 2006). از آن‌جا که یکی از عوامل مؤثر فقر اقتصاد جوامع روستایی است، به همین دلیل شناخت عوامل مؤثر در ایجاد فقر می‌تواند به برنامه‌ریزان در تهیه برنامه‌های مستندتر کمک نماید. امروزه ما در اقتصاد روستایی شاهد ضعف زیرساخت‌های اقتصادی از جمله نابرابری ارزش اقتصاد کشاورزی در مقابل اقتصاد صنعتی و خدماتی (Yao, 2002)، فقدان سرمایه‌گذاری و تقویت بنیان‌های اقتصادی پایدار هستیم که از عوامل ضعف اقتصاد روستایی می‌باشند (Wallace, 2007). همچنین ضعف بیمه‌گذاری محصولات، ضعف قدرت چانه‌زنی روستاییان در برابر دلالان و بازاریان شهری، نوسان شدید تولید، نابرابری درآمد، پراکندگی شدید قطعات اراضی، عدم استفاده بهینه از منابع آب و خاک و میزان آفت‌زدگی زیاد از دیگر عوامل ضعف اقتصاد روستایی محسوب می‌شود (محمدی‌یگانه و همکاران، ۱۳۹۳: ۸۶).

استفاده از روش فراتحلیل یا تحلیل تحلیل‌ها، برای دستیابی به اجماع در مجموعه‌ای از مطالعات، مورد توصیه محققان است. برخلاف علوم طبیعی که مبانی مطالعاتی صریح و دقیقی دارند، مطالعات علوم انسانی به‌ویژه در بحث فقر و فقر روستایی دارای مفاهیم انتزاعی و در حال تحول‌اند. بنابراین استفاده از روش فراتحلیل این امکان را فراهم می‌کند تا جمع‌بندی مشخصی بر اساس واحد مطالعات انجام‌شده حاصل شود. تعدد و تنوع مقالات علمی منتشرشده در زمینه فقر روستایی بیانگر گرایش محققان در حوزه‌های مختلف مانند علوم اجتماعی، علوم جغرافیایی و علوم اقتصادی به این موضوع و راه‌های مقابله با آن است. بدین ترتیب از آن‌جا که یکی از دلایل شکست یا عدم تأثیرگذاری مؤثر برنامه‌های فقرزدایی در ایران، وجود کاستی‌های متعدد در مطالعات انجام‌شده درباره این پدیده است، هدف مطالعه حاضر این است که با استفاده از روش فراتحلیل، وضعیت مطالعات انجام‌شده در زمینه فقر روستایی را مورد بررسی قرار دهد.

۲) مبانی نظری

فقر به صورت‌های مختلف تعریف‌شده و مفهوم آن طی زمان و در اثر تحولات اقتصادی تغییر یافته است و اتفاق‌نظری برای یک تعریف خاص درباره آن نیست. فقر در لغت به معنای نیازمندی و

حاجت‌مندی است و در بیان انیשמندان گوناگون با معانی مختلفی تعبیر شده است. دلیل این است که فقر مقوله‌ای دستوری است و داوری در این باره به‌طور نسبی صورت می‌گیرد (مدنی قهفرخی، ۱۳۹۴: ۳۵). فرهنگ دهخدا فقر را به معنای اندوه، درویشی، خلاف غنی... آورده است و آن را عبارت از نداشتن مایحتاج تعریف کرده است. همچنین نداری، نداشت، نداشتنی از دیگر معانی فقر ذکر شده است (همان). در یک روایت سطحی مفهوم فقر به‌طور کلی دربرگیرنده طیف وسیعی از وضعیت‌هایی است که از فقدان مطلق ملزومات عادی تا نبود یا کمبود وسایل مادی رفاه گسترش می‌یابد. به لحاظ ادبی در ادبیات فارسی، مفهوم واقعی فقر تا حد زیادی از طریق مفهوم متضاد آن یعنی واژه ثروت فهمیده می‌شود که به معنای توانگری، دارایی، مال، نعمت و دولت است (موفقیان، ۱۳۸۲: ۳۴۴).

میان تعریف‌های بسیار متنوع از فقر با دو گرایش مهم و اساسی روبه‌رو هستیم. از یک دیدگاه فقر صرفاً بر پایه میزان درآمد تعریف می‌شود، اما از دیدگاهی دیگر فقر برحسب معیارهای مختلف که عموماً با پیامدها و آثار مختلف مرتبط است تعریف می‌شود. از دیدگاه اخیر فقر به معنای احساس فاقد قدرتمند بودن، ناکامی، سرخوردگی، فرسودگی و طرد از تصمیم‌گیری است (راغفر، ۱۳۹۰). در مطالعات مختلف تعریف‌های گوناگونی از فقر شده است که در زیر به‌اختصار چند نمونه از آن‌ها آورده می‌شود:

- فقرا افرادی هستند که قادر به تأمین غذا، پوشاک و مسکن در سطح حداقل نیستند (srinivasan, 2000).

- فقر شرایط اجتماعی و اقتصادی است که در آن دسترسی به کالا و خدمات کمتر از حد آستانه است. اغلب این حد آستانه با توجه به درآمد پولی هر خانوار تعریف می‌شود (warf, 2006).

- فقر عبارت است از نبود یا کمبود تغذیه، سرپناه و معیارهای قابل قبول در خدمات و فعالیت‌ها (Kotlymov & Komarova, 2007).

- اودکون فقر را نیز محرومیت از قابلیت‌های اساسی، حقوق بشر، آزادی انتخاب و فرصت‌های برابر تعریف کرده است و در واقع دامنه مفهومی آن را نسبت به دیگر تعاریف تا حد زیادی گسترش داده است (Odekon, 2010).

بر اساس تعاریف موجودی که بسیاری از محققان از فقر ارائه داده‌اند فقر به دو دسته فقر مطلق و فقر نسبی یا ثانویه تقسیم می‌شود. فقر مطلق به معنای عدم توانایی خانوارها برای تأمین حداقل نیازهای تغذیه برحسب ارزان‌ترین انواع مواد انرژی است. فقر ثانویه مرحله‌ای است که نیازهای اساسی و اولیه خانوار برآورده می‌شود اما نیازهای ثانویه مانند آموزش تأمین نمی‌شود.

آمارتیا سن در سال ۱۹۷۶، فقر را به‌صورت محرومیت از قابلیت‌های اساسی در نظر گرفته و بر نسبی بودن مفهوم فقر در مکان‌ها و زمان‌های مختلف، تأکید می‌کند. فقر واقعیتی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی است. در حال حاضر نیز جامعه بشری، علی‌رغم تحولات بسیار عظیمی که در زمینه‌های مختلف علوم روی داده است با این پدیده شوم دست‌وپنجه نرم می‌کند. در واقع این پدیده شوم چهره خود را در اختلاف طبقاتی افراد مختلف یک جامعه بیشتر نمایان می‌سازد. به‌طوری‌که در حال حاضر حدود

یک پنجم جمعیت جهان در فقر به سر می‌برد. این عده با درآمدی کمتر از یک دلار در روز زندگی می‌کنند (بسحاق و همکاران، ۱۳۹۴). فقر، پدیده‌ای فراگیر در جهان بوده و می‌توان آن را نتیجه تحولات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جهانی و کشوری دانست. آمار دقیقی از فقرای جهانی در دسترس نیست. برآوردهای غیررسمی بیانگر فقر ۲۰ درصدی جمعیت جهانی بوده که بخش زیادی از آن در مناطق روستایی به سر می‌برند (سرایلو، ۱۳۹۰). یکی از چالش‌های مهم جوامع روستایی مسئله فقر روستایی است که اندیشه بسیاری از صاحب‌نظران مسائل روستایی را به خود معطوف داشته است. در روستاها به علت شرایط جغرافیایی آب و هوایی، نوع معیشت و توانایی کمتر در مقابله با حوادث، فقر قلمرو گسترده‌تری دارد (شاه‌آبادی و تلیابی، ۱۳۹۶).

فقر از دیدگاه جغرافی دانان

مدت زیادی است که جغرافیای فقر وارد ادبیات جغرافیایی شده است و همواره جغرافی دانان از آن به‌عنوان یک واقعیت تلخ اجتماعی که آثار و عوارض سوء آن در همه زوایای زندگی فردی و اجتماعی منعکس است یاد می‌کنند. رونالد جانستون یکی از جغرافیدانان سرشناس معاصر بیان می‌کند که هدف جغرافیدانان تنها این نیست که کیفیت زندگی روزمره انسان را مطالعه کنند، بلکه برای بسیاری از آن‌ها کیفیت نابرابری‌های جهانی و ناحیه‌ای یک نوع رسالت محسوب می‌شود. به عقیده وی هدف جغرافی دانان این است که در سراسر جهان با حذف نابرابری‌های شدید اجتماعی و اقتصادی، همه خانواده‌ها بتوانند به شغل دائمی، مسکن مناسب، بهداشت و درمان، آموزش و امنیت اجتماعی دست یابند. او معتقد است که هم‌اکنون بیشتر مردم جهان در فقر و سوء تغذیه به سر می‌برند، از سلامتی کامل بی‌بهره‌اند و زندگی غم‌انگیزی دارند. بر این اساس جغرافی دان وظیفه دارد که در بررسی‌های جغرافیایی خود به ریشه‌های این نابرابری‌ها پی ببرد و تفکرات جغرافیایی خود را در جهت حل این مسائل به کار گیرد (رضوی، ۱۳۷۷: ۳۳-۳۴). فقر تنها ناشی از محرومیت مادی نیست، بلکه به‌طور عمده پدیده‌ای اجتماعی است که موجب می‌شود اشخاص فقیر از ظرفیت و توانایی خویش درک صحیحی نداشته باشند (چمبرز، ۱۳۸۷: ۱۸).

جغرافیا از بعد فضایی به فقر می‌نگرد و نقشه پراکنش فقر را ترسیم می‌کند. همچنین پژوهش و اجرای طرح‌های کاهش فقر یک تخصص میان‌رشته‌ای را می‌طلبد که جغرافیا در کانون قرار دارد. جغرافی دانان با سایر پژوهشگران علوم انسانی در توجه به باز توزیع تولید و قدرت و اجرای عدالت اجتماعی از طریق سازمان‌های جدید و مشارکت مفید مردم، دیدگاه مشترکی دارند (همان).

از دید جغرافی دانان علل جغرافیایی فقر به دودسته تقسیم می‌شود:

- فقر ناشی از طبیعت

- فقر ناشی از انسان

فقر ناشی از طبیعت به این مفهوم است که شرایط نامناسبی در طبیعت به وجود آید و شرایط طبیعی متعادل و لازم برای تولید غذا به شکلی به هم بخورد و کاهش چشمگیری در امر تولید مواد غذایی به

وجود آید. مثلاً کاهش نزولات آسمانی و نقش آن در تولید و با مسئله فرسایش خاک در نتیجه شخم پیایی یا تغییرات آب و هوایی.

مسئله دیگر یا روی دیگر سکه، انسان است در این حالت، انسان به منزله عاملی وارد عمل شده و با ایجاد تغییراتی در شرایط متعادل و مناسب طبیعی و یا برهم زدن روابط صحیح اجتماعی زمینه را برای پیدایش کمبودهای حاد مواد غذایی فراهم می‌سازد (رضوی، ۱۳۷۷: ۳۵-۳۶).

هم فضای جغرافیایی (شمال- جنوب و یا شهری-روستایی) و فضای اجتماعی (روابط اجتماعی) در ایجاد و تثبیت و تداوم فقر نقش بسزایی دارند. در واقع موقعیت جغرافیایی مناطق و منابع طبیعی موجود یک عامل قوی در جذب سرمایه است. در واقع برخی مناطق به لحاظ جغرافیایی به دلیل موانع مختلف جغرافیایی برای سرمایه‌گذاری اقتصادی هزینه‌بر هستند و اگر دولت از سرمایه‌گذاری بخش خصوصی حمایت مداوم و جدی نکنند رشد و توسعه اقتصادی این مناطق با دشواری‌های بسیاری روبه‌رو خواهد بود. عکس این وضعیت هم وجود دارد، در مناطقی که به لحاظ جغرافیایی بستر لازم برای توسعه اقتصادی دارند اما مورد عنایت دولت‌ها نیستند. اینجا دو اصطلاح مطرح می‌شود مناطق محروم از طبیعت یا مناطق محروم از خدمات دولتی. در واقع به رغم قدرت بالای جغرافیا و طبیعت این قدرت سیاست است که فقر و ثروت را به برخی مناطق اهدا و از برخی مناطق دریغ می‌دارد. در رویکرد فضایی نظریه‌پردازی‌های علمی در باب فقر همواره با مکان مرتبط بوده و سه عنصر: زیرساختار (محیط ساختمانی)، تحرک (جابه‌جایی جمعیت و ویژگی‌های اجتماعی آن‌ها) و فرهنگ (کنش متقابل بین ساکنان که منجر به هنجارهای مشترک می‌گردد) عناصر اصلی مبحث فقر و مکان‌اند (حمیدیان، ۱۳۹۶: ۱۷۴-۱۷۰).

فقر از دیدگاه اقتصاددانان

نقطه مرکزی و اصلی اقتصادی تعریف اقتصادی فقر آن است که ویژگی موقعیت اشخاص، بر ویژگی و صفات شخصی یا الگوی رفتاری‌اش ترجیح دارد. اقتصاددانان در حالی که به اهمیت موضوع فقر واقف‌اند، در عین حال اعتقاد دارند که این موضوع باید قابل اندازه‌گیری قابل قیاس و حساس نسبت به تغییرات باشد. اما آن‌ها هنوز نتوانسته‌اند مفهوم فقر را به گونه‌ای که مورد قبول همگان و منطبق با دیدگاه‌های سایر محققان باشد بیان کنند (رضوی، ۱۳۷۷: ۱۶).

در نظریه اقتصادی در توجیه علت فقر، توجه معطوف به نابرابری در توزیع درآمدها و نابرابری در بازار کار است. تانسند این نظریه‌ها را در دو گروه نظریه‌های اقتصاد ارتدوکسی که تأکیدشان بر نقش عوامل اقتصادی نظیر (درآمد) به عنوان تعیین‌کننده فقر است و دیگری نظریه‌های بازار کار دوگانه که نگاهی عمیق‌تر از شاخص‌های عینی اقتصاد دارد و متوجه نابرابری‌های موجود در بازار کار است، تقسیم می‌کند.

نظریه اقتصاد ارتدوکسی

هسته اصلی این نظریه به‌قرار زیر است:

۱- وجود رابطه قوی بین درآمد و تولید حاشیه‌ای ۲- توجیه تفاوت درآمدها بر اساس آموزش، مهارت و تجربه ۳- هماهنگی با نظریه‌های قبلی در باب عرضه و تقاضا. بر اساس ایده‌های اصلی این رویکرد در برنامه‌های فقرزدایی، تمرکز بر رفع فقر درآمدی و آموزش و مهارت و رشد اقتصادی است. این دیدگاه بر سرمایه انسانی و توسعه شاخص‌های انسانی تأکید دارد، زیرا شاخص توسعه انسانی فقر انسانی را هم در سطح افراد و هم در سطح کلان کشورها می‌سنجد (حمیدیان، ۱۳۹۶: ۱۸۲-۱۸۵).

نظریه بازار کار دوگانه

طبق این نظریه در یک سیستم اقتصادی دو بازار کار وجود دارد: ۱- بازار درونی یا بخش اصلی که در آن استخدام باثبات و پرداخت‌ها مناسب است و اتحادیه‌ها به شکل قوی وجود دارند. ۲- بازار کار بیرونی یا بخش ثانویه که در آن استخدام بی‌ثبات و پرداخت‌ها پایین است و اتحادیه‌ها اهمیت چندانی ندارند. در این نظریه برای توضیح فقر بر بازار کار بیرونی و ویژگی‌های افرادی که چنین مشاغل و پایگاه‌هایی را حفظ می‌کنند تأکید می‌شود. مفهوم بازار کار دوگانه آمیختگی مبهمی با مفهوم جزئی شدن و تقسیم حرفه‌ها برحسب طبقه دارد. این نظریه بازتولید مارکسیسم است براساس این نظریه تقسیم‌بندی طبقاتی جامعه و توزیع نسبی بین طبقات توزیع درآمد اثرگذار خواهد بود و طبقه یک فرد هم از طریق تخصیص منابع اجتماعی برای سرمایه‌گذاری برای کار در طبقه خود، بر تولید او اثر می‌گذارد و هم از طریق دسترسی متفاوت طبقه‌های مختلف به انواع توانایی‌ها و سرمایه‌ها بر سهم نسبی او از محصول نهایی تأثیر می‌گذارد. مقابله با فقر ناشی از بازار کار دوگانه عزم ملیو بین‌المللی سیاست‌مداران و برنامه‌ریزان، شرکت‌های دولتی و غیردولتی ملی و بین‌المللی را می‌طلبد در غیر این صورت تلاش کارگران و انقلاب‌های سوسیالیستی ناکام خواهد بود، نمونه انقلاب‌های بهار عربی در تونس و مصر که نتیجه مطلوب اقتصادی اجتماعی به بار نیاورد (همان، ۱۸۲-۱۸۵).

فقر از دیدگاه جامعه‌شناسان

جامعه‌شناسان فقر را یکی از چهره‌های نامطلوب زندگی اجتماعی قلمداد کرده‌اند و آن را معیاری برای ارزیابی شکاف طبقاتی در جامعه می‌دانند. از دیدگاه جامعه‌شناسان نابرابری درآمدی، منجر به محدودیت در دستیابی به فرصت‌های اجتماعی شده و زمینه احساس ناکامی و حقارت را در افراد ایجاد می‌نماید. از دیدگاه کارکردگرایان فقر در باورهای اجتماعی و فرهنگی جامعه ریشه دارد. به‌رحال فقر پایدار با فقدان دانش و آگاهی اجتماعی، بهداشت ضعیف، شیوع اجتماعی، تضعیف صداقت و صمیمیت، و از بین رفتن اعتماد اجتماعی و وابستگی به یاری دیگران ارتباط معنی‌داری دارد. این مجموعه نوعی تله فقر ایجاد می‌کند. از جمله نظریات مربوط به فقر که جدیداً توسط جامعه‌شناسان مورد بررسی قرار می‌گیرد، نظریه فرهنگ فقر است. به‌زعم آلفرد وبر در مقابل رفتار و فرهنگ گروه ثروتمند، خرده‌فرهنگی از گروه فقرا، فرهنگی با خصوصیات عمل‌گرا و کارکردی خلق می‌کنند که می‌توان آن را فرهنگ کوچه و

بازار خواند. فرهنگ فقر ابعاد فراتری از بعد اقتصادی را دربرمی‌گیرد. فرهنگ فقر به فقدان آگاهی اجتماعی، انزوای از اجتماع، داشتن احساس حقارت و ناامیدی نسبت به آینده را گویند. در این حالت فقرا غیرازاینکه از بعد اقتصادی در رنج هستند با نگاه گروهی را بردوش دارند که آن‌ها را با انگ‌های مختلف، طرد اجتماعی، فخرفروشی و طعنه زدن و استعمار در کارهای مختلف به رنج و عذاب روحی دچار می‌کند. به‌طور کلی در فرهنگ فقر شاخص‌هایی مانند بی‌قدرتی، احساس بی‌معیاری، احساس پوچی، جامعه‌گریزی و جدایی از خویشان باعث شیوع فقر در جامعه می‌شود (نیازی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۶۷-۱۷۰).

در این ارتباط به بررسی تعدادی از پژوهش‌های داخلی و خارجی از منظر تخصص‌های سه‌گانه موردبررسی در مقاله می‌پردازیم که با توجه به بررسی تفصیلی مطالعات فقر روستایی در کشور، صرفاً به ارائه پژوهش‌های خارجی اکتفا می‌کنیم:

ژو و لیو (۲۰۱۹) در مقاله‌ای با عنوان "جغرافیای فقر: بررسی و چشم‌انداز تحقیق" عنوان کردند که مطالعات قبلی، فقر منطقه‌ای و فردی را در کنار هم در نظر نگرفته‌اند. این دو بیان کردند که فقر فردی ارتباط نزدیکی با فقر منطقه‌ای دارد و علاوه بر اینکه دارای تعامل هستند، یکدیگر را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهند. فقر منطقه‌ای معمولاً به فقدان انگیزه درون‌زا برای توسعه فردی در یک منطقه منجر می‌شود و فقر فردی به‌نوبه خود منجر به رشد کند اقتصادی و عدم وجود زیرساخت و خدمات عمومی کل منطقه می‌شود که در انتها به‌عنوان فقر منطقه‌ای شناخته می‌شود.

رادنی و همکاران (۲۰۱۲) در مقاله‌ای دینامیک فقر روستایی را در کنیا بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۹ موردبررسی قرار دادند که در آن از داده‌های نظرسنجی پانل خانوادگی استفاده شد. تحرک قابل‌توجهی بین گروه‌های فقیر با استفاده از ماتریس انتقال اقتصادی پیدا شد و بر اساس رویکرد مبتنی بر دارایی، تغییرات ساختاری فقر تشخیص داده شد. تعداد کمی از خانوارها از طریق تجمع دارایی‌ها موفق به فرار از فقر شدند، درحالی‌که بخش بزرگی از آن‌ها یعنی ۶۶ درصد با تغییرات ساختاری روبه‌رو بودند. برهانه و گاردبروک (۲۰۱۱) به بررسی تأثیر مؤسسات مالی خرد بر کاهش فقر روستایی پرداخته‌اند. از داده‌های پانل چهارگوشه‌ای در خانوارهای شمال اتیوپی که به مؤسسات مالی خرد دسترسی داشتند استفاده شده است و تأثیر آن را در دو شاخص کلیدی مصرف خانوار و بهبود مسکن سنجیده‌اند. نتایج نشان داد که دریافت وام، افزایش مصرف و افزایش قیمت مسکن را به دنبال دارد.

شر (۲۰۰۰) در کتاب آموزش روستایی چرخه فقر را به‌خوبی بیان کرده است. به بیان او تعامل آموزش و اشتغال در سطح فردی و اجتماعی باعث گردش مارپیچی و عدم سرمایه‌گذاری و رکود می‌شود. درعین حال در سطح اجتماع، فقدان فرصت اشتغال منجر به مهاجرفرستی، بسته شدن فروشگاه‌ها و کاهش درآمدی مالیاتی می‌شود. سطح سوم چرخه فقر این است که بیکاری و فقدان درآمد افراد باعث کاهش اعتمادبه‌نفس، انگیزه و افسردگی می‌شود.

۳) روش تحقیق

جین گلاس رئیس انجمن تحقیقات ایالات متحده در سال ۱۳۷۶ برای اولین بار از روش فرا تحلیل استفاده کرد. وی فرا تحلیل را این گونه معرفی می کند: فراتحلیل مجموعه‌ای از روش‌های آماری است که برای یکپارچه کردن نتایج حاصل از پژوهش‌های کاربری به کار می‌رود (شکر بیگی و مستمع، ۱۳۹۳). گلاس همچنین بیان می‌کند که فراتحلیل، تحلیل فراتحلیل است. به عبارت دیگر در این روش تحلیل‌ها و تحقیقاتی که درباره یک موضوع انجام شده است گردآوری شده و مورد تحلیل مجدد قرار می‌گیرند و تحقیقات در یک طیف خاص از ضعیف به قوی رتبه‌بندی می‌شوند (ولف، ۲۰: ۱۹۸۶، به نقل از شکر بیگی و مستمع، ۱۳۹۳). این پژوهش به روش فراتحلیل است و هدف آن بررسی پژوهش‌های انجام شده در زمینه فقر روستایی و همچنین بررسی و شناخت ابعاد و متغیرهای مؤثر بر فقر روستایی از دیدگاه رشته‌های مختلف است. پژوهش حاضر بر اساس هدف کاربردی و بر اساس روش توصیفی-تحلیلی است. تعداد ۵۰ مقاله (تمام مقالات با موضوع مورد بررسی در این پژوهش) علمی-پژوهشی چاپ شده در مجلات جغرافیایی، اقتصادی و اجتماعی در زمینه فقر روستایی در دهه‌های ۱۳۸۰ و ۱۳۹۰ مورد تحلیل قرار گرفته است. در این پژوهش جهت تحلیل مقالات و شناسایی سطح کیفی آن‌ها از مؤلفه‌های متعددی همچون داشتن چارچوب نظری، روایی و پایایی ابزار تحقیق، ابعاد مورد بررسی، ترکیب ابعاد مورد بررسی، متغیرهای مؤثر بر فقر روستایی استفاده شده است. در نهایت جهت تحلیل هر کدام از مؤلفه‌های فوق از نرم‌افزار اکسل استفاده شده است.

۴) یافته‌های تحقیق

در طول دهه‌های گذشته مطالعات زیادی درباره فقر روستایی انجام شده است که فقر در طول سال‌های مختلف مورد بررسی قرار داده‌اند، که این موضوع بیانگر اهمیت فقر به ویژه در مناطق روستایی است. در تحقیق حاضر سعی شده است یک فراتحلیل از مطالعات صورت گرفته در زمینه فقر روستایی انجام شود. در زیر یافته‌های پژوهش آورده شده و مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است.

جدول ۱. ویژگی‌های وسعت مفهومی (چارچوب نظری) و وسعت جغرافیایی (مقیاس مطالعه) در مقالات مورد بررسی

مقیاس مطالعه				ویژگی چارچوب نظری				درصد	فراوانی	پایگاه تخصصی مجله
مقیاس منطقه‌ای - محلی		مقیاس ملی		فائد چارچوب نظری		دارای چارچوب نظری				
درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد			
۳۸/۸۹	۷	۶۱/۱۱	۱۱	۶۶/۶۷	۱۲	۳۳/۳۳	۶	۳۶	۱۸	اقتصادی
۷۶	۱۹	۲۴	۶	۲۰	۵	۸۰	۲۰	۵۰	۲۵	جغرافیایی
۵۷/۷۱	۴	۴۲/۲۹	۳	۱۴/۴۳	۱	۸۵/۵۷	۶	۱۴	۷	اجتماعی
	۲۹		۲۱		۱۸		۳۲	۱۰۰	۵۰	جمع

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۷

همان‌گونه که در جدول (۱) مشاهده می‌شود از ۵۰ مطالعه بررسی‌شده در این فراتحلیل به ترتیب ۳۶ درصد مربوط به مجلات علوم اقتصادی، ۱۴ درصد مربوط به مجلات علوم اجتماعی و ۵۰ درصد مربوط به مجلات علوم جغرافیایی می‌باشند. از بین مقالات مربوط به مجلات اقتصادی ۶۶/۶۷ درصد مقالات فاقد چارچوب نظری بوده و فقط ۳۳/۳۳ درصد آن‌ها دارای چارچوب نظری بوده‌اند. در همین قسمت ۶۱/۱۱ درصد مقالات در مقیاس کشوری-ملی بوده است که این خود نشان‌دهنده نگاه کلان اقتصاددانان به مسئله فقر است.

در بخش مقالات منتشرشده در مجلات اجتماعی که کم‌ترین مقالات در این پژوهش است، ۸۵/۵۷ درصد آن‌ها دارای چارچوب نظری و ۱۴/۴۳ درصد مقالات فاقد چارچوب نظری بوده است. از بین مقالات منتشرشده در مجلات علوم اجتماعی ۴۲/۲۹ درصد مقالات در مقیاس کشوری-ملی و ۵۷/۷۱ درصد نیز در مقیاس منطقه‌ای-محلی بوده است.

اما در بخش مطالعات مربوط به علوم جغرافیایی که ۵۰ درصد از مقالات این فراتحلیل را به خود اختصاص داده است، ۸۰ درصد مقالات دارای چارچوب نظری بوده و ۱۹ مقاله (۷۶ درصد) در سطح منطقه‌ای-محلی کار شده است. این امر بیانگر ضعف در نگاه کلان و سرزمینی به مسئله فقر روستایی در بین متخصصان علوم جغرافیایی است.

ویژگی‌های روش شناختی مقالات مورد بررسی

در جداول این بخش مقالاتی که در مقیاس محلی منطقه‌ای انجام‌شده و از ابزارهای پیمایشی بهره برده‌اند را مورد بررسی قرار داده و به‌طور مشخص روایی و پایایی این تحقیقات مشخص شده است.

جدول ۰۲. ویژگی روش شناختی (روایی و پایایی ابزار پژوهش) در مجلات

مجلات	دارای روایی و پایایی		فاقد روایی و پایایی		فقط دارای پایایی		جمع مقالات
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	
اقتصادی	-	-	-	-	۵	۱۰۰	۵
جغرافیایی	۵	۳۵/۸	۷	۵۰	۱	۷/۱	۱۴
اجتماعی	۲	۴۰	۱	۲۰	۱	۲۰	۵

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۷

جدول ۲ نشان‌دهنده عدم توجه کافی (حدود سه‌چهارم مقالات) به اعتبار و اعتماد ابزار تحقیق در مقالات اقتصادی، حدود دوسوم مقالات در مقالات جغرافیایی و سه‌چهارم در مقالات اجتماعی است.

جدول ۳. تعداد و درصد روایی و پایایی مجموع مقالات

جمع مقالات	فقط دارای پایایی		فقط دارای روایی		فاقد روایی و پایایی		دارای روایی و پایایی	
	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد
۲۴	۸/۳	۲	۸/۳	۲	۵۴	۱۳	۲۹/۲	۷

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۷

جدول بالا نشان می‌دهد که در مجموع مقالات مورد تحلیل به‌طور کلی توجه مطلوبی به آزمون روایی و پایایی ابزار پژوهش نشده است. به‌طور کلی ۲۹/۲ درصد مقالات دارای روایی و پایایی بوده است. این امر نشان‌دهنده فقدان تمرکز بر ساختن ابزارهای استاندارد برای سنجش فقر بوده و باعث عمیق نشدن مطالعات و ضعف توان پژوهش در تبیین فقر روستای می‌شود.

ابزار گردآوری داده‌ها

در این قسمت ابزار گردآوری اطلاعات و داده در مقالات مورد بررسی به توجه به تفکیک مجلات آورده شده است. با توجه به جداول این قسمت می‌توان پی برد که جغرافیدانان، اقتصاددانان یا جامعه‌شناسان بیشتر از چه روشی برای گردآوری داده‌های مورد نیاز خود استفاده می‌کنند. همچنین یکی از روش‌های پی بردن به مقیاس مورد مطالعه، ابزار گردآوری داده‌ها است.

جدول ۴. ابزار گردآوری داده‌ها در مقالات اقتصادی

جمع مقالات	مصاحبه	اسنادی	پرسشنامه، مصاحبه و مشاهده	پرسشنامه و مصاحبه	مشاهده	پرسشنامه	مجلات
۱۸	-	۱۳	-	۱	-	۴	اقتصادی
۲۵	۱	۹	۴	۴	-	۷	جغرافیایی
۷	-	۲	-	۱	۱	۳	اجتماعی

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۷

طبق جدول ۴، عمده مقالات اقتصادی با استفاده شیوه اسنادی انجام شده است و اتکا به داده‌های دست‌اول به‌دست‌آمده از مردم، چندان مورد توجه و تأکید قرار نداشته است. بخش مهمی از داده‌های پژوهش‌های جغرافیایی حوزه فقر روستایی با استفاده از ابزارهای پرسشنامه و مصاحبه به‌دست‌آمده است که اتکای جغرافیدانان برای پیمایش محلی و منطقه‌ای برای سنجش فقر روستایی را نشان می‌دهد. مقالات حوزه اجتماعی مطالعات فقر روستایی نیز مانند مطالعات جغرافیایی، عمدتاً بر ابزارهای پرسشنامه

و مصاحبه و کسب اطلاعات از جوامع محلی تأکید و توجه دارند. اما نگاه دقیق‌تر به این جدول نشانگر اسنادی بودن حدود ۵۰ درصد (۲۴ مقاله) پژوهش‌های انجام‌شده در مجلات سه‌گانه است. این امر بیان‌کننده نزدیک نشدن محققان به واقعیت فقر در جوامع روستایی است. اتکا به داده‌های کلان و نگرش ساختاری به موضوع فقر باعث می‌شود تا زوایا و ظرافت‌های تحلیل فقر مورد توجه جدی قرار نگیرد. در مقالات اقتصادی ۱۳ مورد به صورت اسنادی و از آمارنامه استفاده کرده‌اند و فقط در ۵ مورد از پرسشنامه و مصاحبه استفاده شده است. در واقع این بخش را می‌توان با مقیاس مورد مطالعه سنجید، همان‌طور که اکثر مقالات اقتصادی در سطح ملی کار شده است بیشتر آن‌ها در بخش ابزار گردآوری داده‌ها از مطالعات اسنادی استفاده کرده‌اند. در مجلات جغرافیایی ۱۶ مقاله از روش میدانی (پرسشنامه، مشاهده، مصاحبه) استفاده کرده‌اند و فقط ۹ مورد به صورت اسنادی و کتابخانه‌ای بوده است. در بخش مقالات حوزه علوم اجتماعی نیز ۲ مقاله به روش اسنادی و ۵ مقاله نیز از روش میدانی استفاده کرده‌اند.

همان‌طور که مشاهده شد بیشترین روش میدانی برای گردآوری داده‌ها مربوط به مجلات جغرافیایی بوده که این خود می‌تواند به دلیل بررسی کردن فقر در سطح منطقه‌ای و محلی باشد. اما اقتصاددانان به دلیل اینکه فقر را بیشتر ساختاری می‌دانند، غالباً از روش اسنادی (مانند داده‌های خام طرح آماری هزینه و درآمد خانوار مرکز آمار ایران) استفاده می‌کنند.

جدول ۵. تقسیم‌بندی ابزار گردآوری داده‌های مقالات به دو روش میدانی و اسنادی

روش	فراوانی	درصد
اسنادی	۲۴	۴۸
میدانی	۲۶	۵۲

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۷

طبق جدول ۵، حدود نیمی از مقالات حوزه فقر روستایی از روش‌های اسنادی استفاده کرده‌اند و این موضوع با توجه به گستردگی فضایی قابل توجه فقر در نواحی روستایی ایران، نشانه مطلوبی نیست و ضعف در مطالعات میدانی و با اتکا به مشاهدات محقق و تجربه زیسته جامعه محلی را بیان می‌کند.

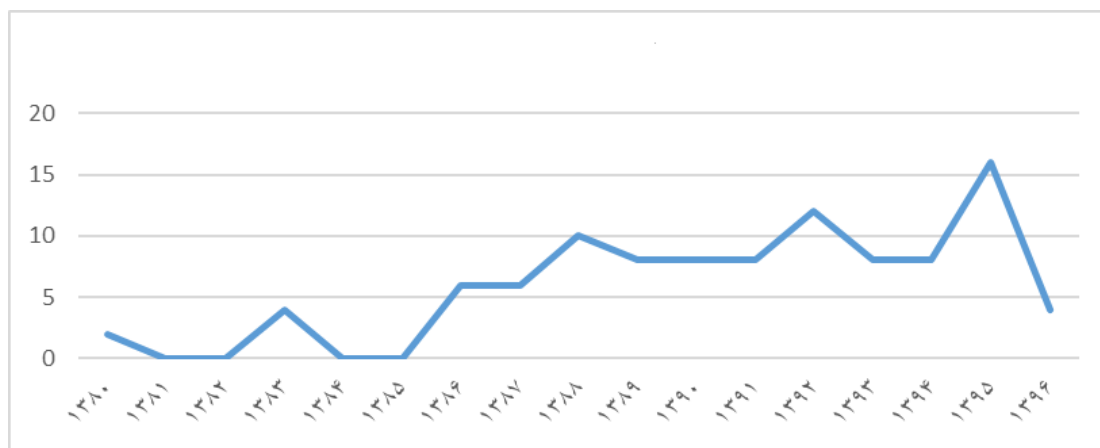
ویژگی‌های محتوایی مقالات مورد بررسی

در این بخش نگاهی به محتوای مقالات مورد بررسی شده است تا ابتدا تصویری از تحولات حوزه فقر روستایی در حوزه‌های سه‌گانه علوم اقتصادی، جغرافیایی و اجتماعی در کشور در دو دهه اخیر مشخص گردد و سپس تفاوت‌های محتوایی بین آن‌ها مورد مطالعه قرار گرفته است.

جدول ۶. بازه زمانی (تاریخ انتشار) مقالات فقر روستایی به تفکیک حوزه‌های مطالعاتی

بازه زمانی	فراوانی درصد	فراوانی تجمعی	حوزه مطالعاتی			درصد تجمعی	مجموع مقالات هر حوزه مطالعاتی		
			اقتصادی	اجتماعی	جغرافیایی		اقتصادی	اجتماعی	جغرافیایی
۱۳۸۰	۱	۱	۱	-	-	۲	۱	۱	۲
۱۳۸۱	-	۱	-	-	-	۲	۱	-	۲
۱۳۸۲	-	۱	-	-	-	۲	۱	-	۲
۱۳۸۳	۲	۳	۲	-	-	۶	۳	۴	۶
۱۳۸۴	-	۳	-	-	-	۶	۳	-	۶
۱۳۸۵	-	۳	-	-	-	۶	۳	-	۶
۱۳۸۶	۳	۶	۲	۱	۱	۱۲	۶	۶	۱۲
۱۳۸۷	۳	۹	۲	۱	۱	۱۸	۹	۶	۱۸
۱۳۸۸	۵	۱۴	۳	-	۲	۲۸	۱۴	۱۰	۲۸
۱۳۸۹	۴	۱۸	۱	۱	۲	۳۶	۱۸	۸	۳۶
۱۳۹۰	۴	۲۲	۱	۱	۲	۴۴	۲۲	۸	۴۴
۱۳۹۱	۴	۲۶	۲	-	۲	۵۲	۲۶	۸	۵۲
۱۳۹۲	۶	۳۲	۱	۱	۴	۶۴	۳۲	۱۲	۶۴
۱۳۹۳	۴	۳۶	-	-	۴	۷۲	۳۶	۸	۷۲
۱۳۹۴	۴	۴۰	۱	۱	۲	۸۰	۴۰	۸	۸۰
۱۳۹۵	۸	۴۸	۲	۱	۵	۹۶	۴۸	۱۶	۹۶
۱۳۹۶	۲	۵۰	-	-	۲	۱۰۰	۵۰	۴	۱۰۰
جمع	۵۰	-	۱۸	۷	۲۵	-	-	۱۰۰	-

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۷



شکل ۱. نمودار روند انتشار مقالات در طی سال‌های مورد بررسی

همان‌طور که مشاهده می‌شود در دهه ۱۳۸۰، ۱۸ مقاله علمی-پژوهشی انتشار یافته که از این تعداد ۱۱ مقاله سهم مجلات اقتصادی، ۳ مقاله در حوزه علوم اجتماعی و ۴ مقاله نیز در حوزه علوم جغرافیایی بوده است. با نگاهی جزئی‌تر به دهه ۱۳۸۰ می‌توان فهمید که در ابتدای دهه، توجه به فقر روستایی، اندک بوده و هر چه به انتهای دهه ۸۰ نزدیک‌تر می‌شود، توجه به مسئله فقر و تعداد مقالات در حوزه فقر روستایی افزایش می‌یابد. اما در بین سال‌های ۱۳۹۰-۱۳۹۶ وضعیت به گونه‌ای دیگر است. در واقع توجه و

تأکید بر فقر روستایی در این نیم دهه بیش از دهه ۱۳۸۰ است. در بین سال‌های ۱۳۹۶-۱۳۹۰، ۳۲ مقاله در باب فقر روستایی انتشار یافته که سهم مقالاتی که در حوزه علوم جغرافیایی انتشار یافته بیش از حوزه‌های اقتصادی و اجتماعی است که بیانگر توجه بیشتر و ورود جغرافیدانان به حوزه فقر روستایی است.

جدول ۷. فراوانی فقر در سه جایگاه متغیر مستقل و وابسته و مورد سنجش صرف

مجله	فراوانی فقر در متغیر وابسته		فراوانی فقر در متغیر مستقل		صرفاً سنجش	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
اقتصادی	۱۶	۳۹/۰۲	۲	۳۳/۳۳	-	-
اجتماعی	۴	۹/۷۵	۲	۳۳/۳۳	۱	۳۳/۳۳
جغرافیایی	۲۱	۵۱/۲۱	۲	۳۳/۳۳	۲	۶۶/۶۶
جمع	۴۱	۱۰۰	۶	۱۰۰	۳	۱۰۰

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۷

جدول فوق فراوانی فقر را در جایگاه متغیر وابسته و مستقل نشان می‌دهد. از میان ۵۰ مقاله مطالعه شده، ۴۱ مقاله فقر را در بخش متغیر وابسته مورد مطالعه قرار داده‌اند و ۶ مقاله نیز فقر را در جایگاه متغیر مستقل بررسی کرده‌اند و ۳ مورد نیز صرفاً سنجش فقر را مورد مطالعه قرار داده‌اند. همین قرار گرفتن فقر در بخش متغیر وابسته باعث شده است تا بیشتر مقالات به پیامدهایی که فقر می‌تواند داشته باشد، توجهی نداشته باشند. جالب این‌که هیچ‌کدام از مقالات اقتصادی به سنجش صرف فقر روستایی نپرداخته‌اند و با عنایت به نگاه ساختاری به مبحث فقر روستایی، تلاش کردند نگاهی علی به فرایند شکل‌گیری فقر در نواحی روستایی داشته باشند.

جدول ۸. ابعاد مورد بررسی در مجموع مقالات

مجله	اقتصادی	اجتماعی	جمعیت شناختی	زیست‌محیطی	سیاسی	فرهنگی	امنیتی	حقوقی	کالبدی
اقتصادی	۱۸	۴	۵	۱	-	-	-	-	-
اجتماعی	۲	۴	۲	۱	-	-	-	-	-
جغرافیایی	۱۶	۱۴	۵	۱	۲	۱	۱	۱	۱

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۷

طبق جدول ۱۲، اکثر مقالات جنبه‌های اقتصادی را بیش از جنبه‌های دیگر مورد بررسی قرار داده‌اند. همان‌گونه که مشاهده می‌شود در مجله‌های اقتصادی و اجتماعی اکثر مقالات به ابعاد اقتصادی، اجتماعی،

جمعیت شناختی و زیست‌محیطی پرداخته‌اند و از پرداختن به سایر ابعاد غافل مانده‌اند. اما در مقالات علوم جغرافیایی به همه ابعاد پرداخته شده است که این خود نشان‌دهنده دید جامع‌تر جغرافی‌دانان به مسئله فقر روستایی می‌باشد. در واقع اقتصاددانان به دلیل استفاده از مقیاس ملی در تحقیقات خود و همچنین نگاه درآمد مبنا به فقر، به بعد اقتصادی و سیاست‌های اقتصادی توجه بیشتری دارند و فقر را از دیدگاه کلان اقتصادی موردبررسی قرار می‌دهند.

ترکیب ابعاد موردبررسی در مقالات

در این بخش در مقاله‌های موردبررسی ۱۶ نوع ترکیب (کد) در رابطه با ابعاد موردسنجش فقر در مقالات، استخراج شده است و فراوانی هر ترکیب به تفکیک مجلات اقتصادی، اجتماعی و جغرافیایی تعیین شده است. این تنوع در ترکیب‌ها بیانگر تنوع ایده‌ها و آرای محققان در رابطه با ماهیت، علل و پیامدهای فقر روستایی بوده و نشانه‌ای از عدم اجماع محققان داخلی در رابطه با ابعاد موضوع و مسئله فقر روستایی در کشور است.

جدول ۹. کدهای تعیین شده برای ترکیب ابعاد موردبررسی در مجموع مقالات

کد ۱: بعد اقتصادی	کد ۵: بعد اقتصادی و جمعیت شناختی	کد ۹: جامعه‌شناختی و فرهنگی	کد ۱۳: زیست‌محیطی و اقتصادی
کد ۲: بعد اجتماعی	کد ۶: ابعاد اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی	کد ۱۰: جمعیت شناختی و اجتماعی	کد ۱۴: اقتصادی، سیاسی و اجتماعی
کد ۳: بعد زیست‌محیطی	کد ۷: اقتصادی، امنیتی و حقوقی	کد ۱۱: اقتصادی، اجتماعی، کالبدی و محیطی	کد ۱۵: اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی
کد ۴: بعد اقتصادی و اجتماعی	کد ۸: اقتصادی، زیست‌محیطی، جمعیت شناختی و اجتماعی	کد ۱۲: اجتماعی، جمعیت شناختی و زیست‌محیطی	کد ۱۶: جمعیت شناختی، اقتصادی و اجتماعی

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۷

جدول ۱۰. ترکیب ابعاد موردبررسی در مقالات

مجله	کد ۱	کد ۲	کد ۳	کد ۴	کد ۵	کد ۶	کد ۷	کد ۸	کد ۹	کد ۱۰	کد ۱۱	کد ۱۲	کد ۱۳	کد ۱۴	کد ۱۵	کد ۱۶
اقتصادی	۱۰	-	-	۳	۳	۱	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۱
جغرافیایی	۴	۵	۱	۳	۲	-	۱	۱	-	۱	۱	۱	۱	۲	۱	-
اجتماعی	۱	۲	۱	-	۱	-	-	-	۱	۱	-	-	-	-	-	-
مجموع	۱۵	۷	۲	۶	۶	۱	۱	۱	۱	۲	۱	۱	۱	۲	۱	۱

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۷

جدول ۱۰ بیانگر ترکیب ابعاد موردبررسی در مقاله‌های مورد تحلیل است. همان‌گونه که مشاهده می‌شود در مجلات اقتصادی کد ۱ (بعد اقتصادی) و کد ۴ (بعد اقتصادی و اجتماعی) و کد ۵ (بعد اقتصادی و جمعیت شناختی) به ترتیب دارای بیشترین فراوانی‌ها در بخش ترکیب ابعاد موردبررسی

هستند. بعد اقتصادی در مجلات اقتصادی بیش از بقیه ابعاد و حتی بیش از مجلات اجتماعی و جغرافیایی تکرار شده است. این می‌تواند به دلیل حفظ نگاه کلاسیک اقتصاددانان باشد، در واقع در دیدگاه کلاسیک که در مورد پدیده فقر وجود دارد، آن را بیشتر موضوع اقتصادی می‌داند که تحت تأثیر زیرساخت‌های اقتصادی و سیاست‌های خرد و کلان اقتصادی قرار دارد. در مجلات جغرافیایی به ابعاد اقتصادی و اجتماعی نسبت به همه ابعاد در حوزه فقر روستایی توجه بیشتری شده است. در مجلات علوم اجتماعی نیز مانند بخش اقتصادی به همه ابعاد توجه نشده و بیشتر به ابعاد اجتماعی و اقتصادی و در برخی موارد نیز به بعد فرهنگی پرداخته‌اند.

وضعیت تعداد نویسندگان مقالات

در جدول زیر به بررسی تعداد نویسندگان مشارکت‌کننده در تدوین مقالات حوزه فقر روستایی به تفکیک حوزه‌های مطالعات سه‌گانه پرداخته شده است.

جدول ۱۱. جدول تعداد نویسندگان در مجموع مقالات

مجله	یک نفر		دو نفر		سه نفر		چهار نفر		پنج نفر		جمع مقالات
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	
اقتصادی	۳	۱۶/۶۷	۸	۴۴/۴۴	۵	۲۷/۷۸	۱	۵/۵۶	-	-	۱۸
اجتماعی	-	-	۵	۷۱/۱۴	۱	۱۴/۴۳	-	-	۱	۱۴/۴۳	۷
جغرافیایی	۲	۸	۹	۳۶	۱۲	۴۸	۲	۸	-	-	۲۵

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۷

جدول ۱۱ بیانگر تعداد نویسندگان در مقالات مورد تحلیل است. همان‌گونه که مشاهده می‌شود در شاخه اقتصادی تعداد دو نفر نویسنده در هر مقاله با ۴۴/۴۴ درصد دارای بیشترین مقدار است و در بخش علوم اجتماعی نیز تعداد دو نویسنده با ۷۱/۱۴ درصد دارای بیشتر مقدار است. اما در بخش مجلات جغرافیایی مقالات دارای سه نفر نویسنده با ۴۸ درصد دارای بیشترین فراوانی است که این می‌تواند به دلیل مشارکت بیشتر در مقالات جغرافیایی و همچنین پرداختن به ابعاد گسترده‌تر در مطالعه فقر روستایی در مقالات علوم جغرافیایی باشد.

پراکنش جغرافیایی مطالعه فقر روستایی در ایران

در جدول ۱۲، مقالاتی را که به بررسی محلی منطقه‌ای فقر روستایی پرداخته‌اند را شناسایی کرده و بر اساس استان‌های مورد مطالعه، طبقه‌بندی صورت گرفته است:

جدول ۱۲. فراوانی مطالعات فقر روستایی در استان‌های مختلف کشور

مجله	استان	تعداد مقاله	جمع مقالات	تعداد استان‌ها
اقتصادی	گلستان	۱	۷	۵
	فارس	۳		
	سیستان و بلوچستان	۱		
	کرمان	۱		
	ایلام	۱		
اجتماعی	تهران	۱	۴	۴
	فارس	۱		
	چهار و محال و بختیاری	۱		
	اردبیل	۱		
جغرافیایی	خراسان جنوبی	۱	۱۹	۱۴
	قم	۱		
	سیستان و بلوچستان	۱		
	گلستان	۱		
	چهار و محال و بختیاری	۲		
	اصفهان	۱		
	خراسان شمالی	۲		
	تهران	۲		
	آذربایجان غربی	۲		
	قزوین	۱		
	زنجان	۱		
	فارس	۲		
	کهگیلویه و بویراحمد	۱		
گیلان	۱			

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۷

در بخش مقالات حوزه اقتصادی، استان فارس با تعداد ۳ مقاله دارای بیشترین فراوانی است. در بخش مقالات علوم اجتماعی نیز به‌طور کلی ۵ مقاله در سطح منطقه و محلی کار شده که هیچ استانی در تعداد فراوانی برتری نسبت به دیگر استان‌ها ندارد. اما در مجلات جغرافیایی که دارای بیشترین مقاله کار شده در مقیاس منطقه‌ای و محلی است، استان‌های چهارمحال و بختیاری، تهران، فارس، آذربایجان غربی و خراسان شمالی هرکدام با دو فراوانی بیشترین تعداد مقاله را به خود اختصاص داده‌اند. به‌طور کلی استان فارس با تعداد ۵ مقاله در بحث فقر روستایی در همه مجلات دارای بیشترین فراوانی است، هرچند که استان فارس به لحاظ سهم فقرای روستایی از یک طرف و همچنین درصد افراد ساکن در مناطق روستایی از طرف دیگر در رتبه اول قرار ندارد. در صورتی که در استان‌های سیستان و بلوچستان و استان‌های غربی کشور، درصد افراد ساکن در مناطق روستایی و درصد افراد فقیر بیشتر از استان‌های دیگر است، اما تعداد مقالات کار شده در باب فقر روستایی در این استان‌ها کم‌تر از استان‌های دیگر است. بررسی‌ها نشان می‌-

دهد که محل تولد نویسندگان، دسترسی به آمار یا نمونه‌ها و یا دانشگاه محل تحصیل از جمله عوامل مؤثر برای انجام تحقیق در نمونه‌های موردی به حساب می‌آیند.

بررسی متغیرهای مؤثر بر (تشدید یا تعدیل) فقر

در جداول زیر متغیرهایی که در مقالات موردبررسی به‌عنوان متغیرهای تشدیدکننده یا تعدیل‌کننده ذکر شده، آمده است. هدف از طرح این جداول تعیین متغیرهای پرتکرار در مقالات موردبررسی است.

مقالات مجلات اقتصادی

در مقالاتی که در مجلات اقتصادی چاپ شده‌اند به مؤلفه‌های اقتصادی بیش از سایر مؤلفه‌ها پرداخته شده است. در همین بخش اقتصادی مؤلفه اشتغال در بخش دولتی‌ای خصوصی با تعداد فراوانی ۳ بیش از سایر مؤلفه‌ها بخش اقتصادی در مقالات مورد تحلیل به‌کاررفته است و بعداز آن مؤلفه‌های دسترسی به نهاده‌های کشاورزی، دسترسی به اعتبارات و دارایی‌های خانوار بیشترین فراوانی را دارند. در مجلات اقتصادی علاوه بر مؤلفه‌های اقتصادی به مؤلفه‌های اجتماعی مانند مشارکت و مؤلفه‌های جمعیتی مانند سن سرپرست خانوار و بعد خانوار پرداخته شده است. به‌طورکلی با نگاهی به مقالات بخش اقتصادی می‌توان فهمید که مقالات این بخش فقر روستایی را بیشتر از جنبه اقتصادی موردبررسی قرار می‌دهند هرچند که در کنار جنبه‌های اقتصادی فقر به برخی جنبه‌های دیگر پرداختند اما سطح بررسی در جنبه‌های دیگر فقر به‌صورت جزئی است.

جدول ۱۳. بررسی متغیرهای مؤثر بر فقر (تشدید یا تعدیل) در مجلات اقتصادی

فراوانی	اقتصادی	فراوانی	اقتصادی	فراوانی	اقتصادی
۲	مشارکت اجتماعی	۱	بهره‌وری در بخش کشاورزی	۳	اشتغال در بخش خصوصی یا دولتی
۱	روابط اجتماعی	۱	هزینه خوراکی‌ها	۳	سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی
۱	ارائه خدمات آموزشی ترویجی کشاورزی	۱	اعتبارات خرد	۲	دسترسی به اعتبارات
فراوانی	جمعیتی	۱	اشتغال در بخش کشاورزی	۲	دسترسی به نهاده‌های کشاورزی
۴	سن سرپرست خانوار	۱	اشتغال در بخش صنعت و خدمات	۲	دارایی‌های خانوار
۴	سواد	۱	سرمایه‌گذاری‌های خصوصی	۲	هزینه خانوار
۳	بعد خانوار	۱	ارزش‌افزوده بخش کشاورزی	۲	سرمایه‌گذاری‌های دولتی
۱	بار تکفل	۱	بیکاری	۱	نرخ تورم
۱	جنس سرپرست خانوار	۱	رشد اقتصادی	۱	درآمد خانوار
		۱	بازاریابی محصولات	۱	تعداد سهام در بخش

					کشاورزی
				۱	آزادسازی تجاری
		فراوانی	فرهنگی	فراوانی	محیطی
		۲	سطح تحصیلات	۱	الگوی کشت

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۷

مقالات مجلات اجتماعی

در مجلات علوم اجتماعی نیز فقر روستایی از جنبه اجتماعی و جمعیت شناختی بیشتر مورد بررسی قرار گرفته است. به گونه‌ای که در مقالات چاپ شده در مجلات اجتماعی فقط به ۳ مؤلفه اقتصادی (مخارج مسکن و بهداشت، بیکاری، شغل سرپرست خانوار) پرداخته شده، در صورتی که در بخش اجتماعی ۱۵ مؤلفه مورد بررسی قرار گرفته است. در بعد جمعیتی نیز سن سرپرست خانوار و بعد خانوار بیشترین مؤلفه‌های تکرار شده در مقالات مورد بررسی هستند.

جدول ۱۴. بررسی متغیرهای مؤثر بر فقر (تشدید یا تعدیل) در مجلات اجتماعی

اقتصادی	فراوانی	اجتماعی	فراوانی	اجتماعی	فراوانی
شغل سرپرست خانوار	۱	مشارکت	۲	اعتماد	۱
بیکاری	۱	وابستگی به دیگران	۱	روابط اجتماعی	۱
مخارج مسکن و بهداشت	۱	سرمایه اجتماعی	۱	نزاع اجتماعی	۱
جمعیتی	فراوانی	شخصیت اقتدارطلب	۱	تعلق سازمانی	۱
سن سرپرست خانوار	۳	پایگاه اقتصادی-اجتماعی	۱	خدمات آموزشی-ترویجی	۱
بعد خانوار	۲	منزلت اجتماعی	۱	عضویت در تعاونی زنان	۱
جنس سرپرست خانوار	۱	خشونت اجتماعی	۱		
فرهنگی	فراوانی	آموزش	۱		
سطح تحصیلات	۲	انسجام	۱		

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۷

مقالات مجلات جغرافیایی

تفاوت جدول ۱۹ با مجلات اقتصادی و اجتماعی در این است که مقالات چاپ شده در مجلات جغرافیایی دیدی فراگیرتر و جامع‌تر نسبت به مقالات حوزه اقتصادی و اجتماعی دارد. البته در بخش مجلات جغرافیایی بعد اقتصادی نیز بیش از سایر ابعاد مورد بررسی قرار گرفته است اما به سایر ابعاد هر چند جزئی پرداخته شده است. به گونه‌های که در مقالات حوزه اجتماعی و اقتصادی به برخی ابعاد مانند ابعاد سیاسی و کالبدی هیچ‌گونه اشاره نشده و هیچ مؤلفه‌ای در باب فقر روستایی مورد بررسی قرار نگرفته و حتی در بعد فرهنگی به جزء سطح تحصیلات هیچ مؤلفه‌ای مورد سنجش و بررسی قرار نگرفته است. اما در بخش مجلات جغرافیایی به ابعاد متعددی پرداخته شده است. در بخش مؤلفه‌های اقتصادی

شغل سرپرست خانوار دارای بیشترین فراوانی است که این خود بیانگر توجه و اهمیت ویژه اشتغال و بیکاری در بحث فقر روستایی است. یکی دیگر از مؤلفه‌های موردبررسی در بحث فقر روستایی، بهره‌وری تولیدات کشاورزی و بهره وردی نیروی کار کشاورزی است، زیرا اکثر روستاییان کشور در بخش کشاورزی فعال هستند. بنابراین بهره‌وری در این بخش می‌تواند یکی از محرک‌های تعدیل‌کننده فقر روستایی باشد. اما در بخش اجتماعی به مشارکت بیش از سایر مؤلفه‌ها پرداخته شده که این نشان‌دهنده گرایش جغرافی‌دانان و برنامه‌ریزان بخش توسعه روستایی به رویکردهای مشارکتی برای توسعه روستاها و ریشه‌کنی فقر روستایی است. در بخش مؤلفه‌های جمعیتی و فرهنگی همانند مقالات بخش اقتصادی و اجتماعی بیشتر به دو مؤلفه سن سرپرست خانوار و سطح تحصیلات پرداخته شده است و در بعد سیاسی نیز مؤلفه امنیت دارای بیشترین فراوانی است و در آخر نیز بعد کالبدی موردبررسی قرار گرفته که می‌توان به مؤلفه‌هایی مانند متراژ مسکن و بهبود زیرساخت خدماتی اشاره کرد.

جدول ۱۵. بررسی متغیرهای مؤثر بر فقر (تشدید یا تعدیل) در مجلات جغرافیایی

فراوانی	اقتصادی	فراوانی	اجتماعی	فراوانی	سیاسی	فراوانی
۳	شغل سرپرست خانوار	۷	مشارکت	۳	امنیت	۳
۱	تعداد دام	۳	آموزش	۱	وجود پاسگاه	۱
۱	بیکاری	۲	احساس محرومیت	۱	شرکت در انتخابات	۱
۱	دارایی‌های خانوار	۲	اعتماد	۱	پخش برنامه‌های تلویزیونی به زبان محلی	۱
۱	میزان پس‌انداز	۲	انسجام	۱	پخش بروشور به زبان محلی	۱
۱	اشتغال در بخش کشاورزی	۱	نوع بیمه	۱	مشارکت سیاسی	۱
فراوانی	دسترسی به تسهیلات بانکی	۱	روابط اجتماعی	فراوانی	محیطی	فراوانی
۱	میزان درآمد	۱	عدالت	۱	شرایط آب و هوایی	۱
۱	بهره‌وری نیروی کار	۲	سرمایه اجتماعی	۱	موقعیت جغرافیایی	۱
۱	بهره‌وری در بخش کشاورزی	۲	شبکه محلی	۱	پایداری زیست‌محیطی	۱
فراوانی	مخارج آموزشی و بهداشتی	۱	مسائل حقوقی و قضایی	فراوانی	کالبدی	فراوانی
۱	مالکیت اراضی آبی	۱	قانون‌گرایی	۱	متراژ مسکن	۱
۱	مالکیت وسیله نقلیه	۱	مسئولیت‌پذیری	۱	بهبود زیرساخت خدماتی	۱
فراوانی	رشد اقتصادی	۱	حکمروانی خوب	فراوانی	جمعیتی	فراوانی
۴	سرمایه‌گذاری‌های دولتی	۱	پایداری اجتماعی	۱	سن	۴
۳	سرمایه‌گذاری‌های خصوصی	۱	وجود مدارس مناسب	۱	سواد	۳
۲	میزان زمین کشاورزی	۱	وجود معلمان خوب	۱	بار تکفل	۲
۱	تعداد نیروی کار استخدامی توسط مینداز	۱	دسترسی به خدمات درمانی	۱	بعد خانوار	۱
۱	مزد کارگران کشاورزی	۱	شرکت در جلسات روستایی	۱	جمعیت سالخورده	۱
۱	میزان گردشگران روستایی	فراوانی	فرهنگی	۱	جنس سرپرست خانوار	۱

۱	وضع زناشویی	۴	تحصیلات	۱	کمک‌های دولتی
				۱	حقوق بازنشستگی
				۱	هزینه خوراکی
				۱	مالکیت واحد مسکونی
				۱	مالکین باغ
				۱	مصرف گوشت قرمز و سفید
				۱	مصرف حبوبات و سبزی جات
				۱	دسترسی به ماشین‌آلات کشاورزی
				۱	هزینه درمان
				۱	بهبود توزیع درآمد

به‌طور کلی با نگاهی به جدول ۱۰ (جدول تاریخ انتشار مقالات) و تطابق آن با جداول محرک‌های فقر روستایی می‌توان فهمید که در ابتدا توجه به فقر و فقر روستایی بیشتر از سوی اقتصاددانان و دانشجویان و اساتید حوزه علوم اجتماعی بوده است و آنان نیز در ارتباط با حوزه تخصصی خود بیشتر جنبه‌های اقتصادی و اجتماعی را مورد تحلیل قرار داده‌اند. اما در دهه ۱۳۹۰، همان‌گونه که مشهود است تعداد مقالات حوزه علوم جغرافیایی در رابطه با فقر روستایی بیش از مقالات سایر رشته‌هاست، در واقع با فزونی مقالات فقر روستایی از سوی دانشجویان و اساتید جغرافیا، فقر روستایی به‌صورت جامع‌تری و در ابعاد بیشتری به‌صورت گسترده مورد تحلیل و بررسی قرار گرفت.

(۵) نتیجه‌گیری

با توجه به تفاوت نگرش‌های رشته‌های مختلف علمی نمی‌توان انتظار داشت که ادراک متخصصان هر یک از این رشته‌ها از یک مفهوم واحد، تشابه مطلق داشته باشد. بنابراین درک تفاوت‌های موجود بین تفسیر فقر از دیدگاه مهم‌ترین رشته‌های علمی مرتبط با این مفهوم در علوم اجتماعی - اقتصاد، جغرافیا، جامعه‌شناسی - از اهمیت فراوانی برخوردار است و می‌تواند نقاط قوت و ضعف آن‌ها را اجمالاً نشان دهد. به‌طور کلی از یافته‌های پژوهش حاضر می‌توان نتیجه گرفت که در مقالات مربوط به مجلات اقتصادی توجه کمتری نسبت به سایر مجلات به بحث چارچوب نظری شده است، که این می‌تواند یک نقطه‌ضعف در مباحث تحلیلی مربوط به فقر باشد. در بخش مقیاس مورد مطالعه یافته‌ها نشان داد که جغرافیدانان بیش از اقتصاددانان و جامعه‌شناسان از مقیاس محلی و منطقه‌ای بهره برده‌اند. یکی از دلایل تعدد استفاده از روش میدانی (پرسشنامه، مصاحبه و مشاهده) در مطالعات جغرافیایی فقر می‌تواند همین مقیاس مورد مطالعه باشد، درحالی‌که اقتصاددانان به دلیل استفاده از روش اسنادی و آمارنامه در تحلیل‌های خود از مقیاس ملی و کشوری بیشتر استفاده کرده‌اند. در این پژوهش هرچند مقالات مربوط به بخش اجتماعی کمترین تعداد را به خود اختصاص داده، اما حدود ۵۸ درصد از آن‌ها در مقیاس محلی و منطقه‌ای اجرا شده‌اند. در بخش ابعاد مورد بررسی نیز می‌توان گفت که اقتصاددانان به دلیل دیدگاه

درآمدی که نسبت پدیده فقر دارند، آن را بیشتر از بعد اقتصادی مورد بررسی قرار داده‌اند و در کنار بعد اقتصادی به بعد جمعیت شناختی (مانند بار تکفل، سن و جنس سرپرست خانوار) به دلیل تأثیری که بر درآمد خانوار می‌گذارد توجه کرده‌اند. جامعه شناسان نیز فقر را از بعد جمعیت شناختی و اجتماعی مورد بررسی قرار داده‌اند و مهم‌ترین متغیرهای تأثیرگذار بر آن را متغیرهای مربوط به بعد اجتماعی (مانند مشارکت) و جمعیت شناختی (مانند بار تکفل و سن و جنس سرپرست خانوار) دانسته‌اند. اما جغرافیادانان به دلیل ماهیت بین‌رشته‌ای جغرافیا، ابعاد گسترده و متغیرهای بیشتری را مورد توجه قرار داده‌اند و فقر را متأثر از یک بعد خاص ندانسته و ترکیب ابعاد (جدول شماره ۱۵) بیشتری را در تحلیل فقر به‌ویژه فقر روستایی به‌کار برده‌اند. در واقع هرچند که در مجلات جغرافیایی به بعد اقتصادی بیشتر توجه شده، اما در کنار آن به سایر ابعاد نیز توجه متناسبی شده است.

پیشنهاد می‌شود با توجه به کمبود شدید مطالعات مربوط به فقر در مجلات مرتبط با مطالعات روستایی در کشور، سردبیران مجلات، نگاه ویژه‌ای به این موضوع داشته و از طریق اولویت دادن به مطالعات فقر روستایی و نیز در نظر گرفتن شماره‌های ویژه، به اشاعه و تعویق ادبیات حوزه فقر روستایی در رشته‌های علوم اجتماعی کمک نمایند. همچنین یافته‌های پژوهش، نشان‌دهنده لزوم توجه متوازن به مطالعه فقر روستایی در استان‌های مختلف کشور است. به‌طور کلی در دهه‌های ۱۳۸۰ و ۱۳۹۰، فقط ۱۷ استان دارای نماینده در مقالات حوزه فقر روستایی در معتبرترین مجلات حوزه مطالعات روستایی هستند که این امر نشان‌دهنده فقر مفرط مطالعه بر روی تمام مناطق و استان‌ها - خصوصاً استان‌هایی که در گروه فقیرترین و محروم‌ترین مناطق روستایی قرار دارند مانند استان خراسان جنوبی - می‌باشد. ضروری است که این موضوع در دستور کار محققان و نیز مورد تأکید سردبیران مجلات مرتبط قرار داشته باشد. نکته حائز اهمیت دیگر، ضعف شدید مطالعات بین‌رشته‌ای فقر روستایی است، به این معنا که محققان رشته‌های سه‌گانه ذکر شده چندان تمایلی به مطالعه مشترک بر روی موضوع فقر به همراهی متخصصان دو رشته دیگر نشان نمی‌دهند و همین امر باعث می‌شود تا مطالعات از عمق کافی برخوردار نبوده و در تبیین فقر در نواحی روستایی ایران، چندان موفق نباشند. همچنین باعث تأکید بیش از نیاز بر مطالعات در یک مقیاس مشخص شده و به‌طور ویژه، باعث عدم شناخت از فقر روستایی و علل و پیامدهای آن در مقیاس ملی به‌وسیله محققان جغرافیا و جامعه‌شناسی و ضعف در شناخت عینی و عملیاتی فقر در مقیاس جوامع محلی توسط رشته اقتصاد می‌گردد. نکته قابل‌ذکر و مهم دیگر این است که بیش از ۸۰ درصد مطالعات فقر روستایی در پژوهش‌های مورد مطالعه، فقر را در جایگاه متغیر وابسته مورد بررسی قرار داده‌اند و توجه متوازی نسبت به پیامدهای فقر در جایگاه یک متغیر مستقل انجام نشده است. گرچه طبیعتاً شناخت دلایل شکل‌گیری فقر می‌تواند نقش بیشتری در تعدیل و کنترل آن داشته باشد، اما آگاهی از پیامدهای فقر هم منافع مهمی مانند آگاهی و هوشیاری مدیران و سیاست‌گذاران حوزه توسعه روستایی نسبت به پیامدها و هزینه‌های متنوع و متعدد فقر روستایی، تعمیق دانش آکادمیک در رابطه با پیامدهای فقر در شرایط جدید روستاها و بخش کشاورزی برای سکونتگاه و فعالیت اقتصادی واقع در آن با رویکرد تحلیل و نظریه‌پردازی متناسب با پیامدهای نوظهور، داشته باشد. نهایتاً این که افزایش رویکرد

به مطالعه فقر در نواحی روستایی می‌تواند به‌مثابه فرصتی برای شناخت عمیق از تحولات مؤثر بر فقر و متأثر از فقر در شرایط جدید روستاهای ایران باشد و بهره بردن از این فرصت، منوط به توجه به رویکردها و روش‌های کیفی و مشارکتی در مطالعه فقر در نواحی روستایی کشور است. مشارکت روزافزون جامعه محلی در این مطالعات می‌تواند گام مهمی در راه تحقق اهداف پژوهش‌های حوزه فقر روستایی در ایران باشد. آخرین جدول این مقاله، مشخصات تمام مقالات مورد مطالعه در پژوهش را نشان می‌دهد.

۶ منابع

- احمدی، منیژه، بهروز محمدی یگانه، سروش سنایی مقدم، (۱۳۹۶)، تحلیل اثرات سرمایه اجتماعی در کاهش فقر روستایی خانوارهای روستایی مطالعه موردی: دهستان پشته زیلابی، استان کهگیلویه و بویراحمد، فصلنامه علمی- پژوهشی نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، سال ۱۰، شماره ۱. صص ۹۳-۱۰۷.
- بختیاری، صادق، (۱۳۸۸)، مالیه خرد راهکاری برای افزایش تولید بخش کشاورزی و کاهش فقر روستایی، مجله علمی - پژوهشی دانش و توسعه، سال ۱۷، شماره ۳۰. صص ۲۱-۱.
- بسحاق، محمدرضا، احمد تقدیسی، مسعود تقوایی، (۱۳۹۴)، ارائه مدلی برای تبیین فقر در مناطق روستایی (مطالعه موردی: استان چهار و محال بختیاری)، مجله پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی، سال ۴، شماره ۳. صص ۱۱۵-۱۲۶.
- بنی‌اسدی، مصطفی، محمدرضا زارع مهرجردی، (۱۳۸۹)، بررسی تأثیر الگوی کشت بهینه بر فقر روستایی در بخش ارزویی شهرستان بافت - کرمان، فصلنامه اقتصادی کشاورزی، جلد ۴، شماره ۲، صص ۲۰۹-۱۸۳.
- بقیه، نور محمد، مصطفی ازکیا، احمد رضوانفر، (۱۳۸۰)، تعیین‌کننده‌های اقتصادی - اجتماعی فقر در مناطق روستایی کلاله، مجله اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال نهم، شماره ۳۴. صص ۲۸۰-۲۵۷.
- پورطاهری، مهدی، حسین طالبی، عبدالرضا رکن‌الدین افتخاری، (۱۳۸۹)، تحلیل عوامل اقتصادی و اجتماعی مؤثر بر کاهش فقر روستایی با تأکید بر فقر غذایی: بخش خلجستان استان قم، مجله برنامه‌ریزی و آمایش فضا، سال ۱۵، شماره ۲. صص ۸۰-۶۱.
- پورمقدم، امین، حسین مهربانی بشرآبادی، (۱۳۹۲)، تأثیر تغییرات بهره‌وری عوامل تولید بر شاخص فقر روستایی در ایران، فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۶، شماره ۴. صص ۳۶-۱۹.
- پیرائی، خسرو، محمدرضا شهسوار، (۱۳۸۸)، بررسی وضعیت فقر در مناطق شهری و روستایی، مجله پژوهش‌های اقتصادی، سال ۹، شماره ۳. صص ۲۶۴-۲۳۳.
- چمبرز، رابرت، (۱۳۸۷)، توسعه روستایی، الویت بخش به فقرای روستایی (ترجمه مصطفی ازکیا)، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- حمیدیان، اکرم، (۱۳۹۶). نابرابری، فقر، طرد اجتماعی. انتشارات جامعه‌شناسان، تهران، چاپ اول.
- خالدی، کوهسار، زورار پرمه، (۱۳۸۴)، بررسی روند فقر در نواحی روستایی و شهری ایران، فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال ۱۳، شماره ۴۹.
- خالدی، کوهسار، سعید یزدانی، اندیشه حقیقت نژاد شیرازی، (۱۳۸۷)، مطالعه فقر روستایی ایران و تعیین عوامل مؤثر بر آن با تأکید بر سرمایه‌گذاری بخش کشاورزی، سال ۱۰، شماره ۳۵، صص ۲۲۸-۲۰۵.

- خداداد کاشی، فرهاد، ابراهیم جاویدی، (۱۳۹۰)، اثر آموزش بر جنبه‌های مختلف فقر در مناطق شهری و روستایی ایران، فصلنامه علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ۱۲، شماره ۴۶، صص ۸۳-۱۰۷.
- خداداد کاشی، فرهاد، علی‌اکبر سلیمان نژاد، (۱۳۹۱)، برآورد خط فقر و بررسی تغییرات آن در مناطق روستایی استان اصفهان، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، سال ۱۷، شماره ۲، صص ۹۱-۱۱۴.
- خداداد کاشی، فرهاد، خلیل حیدری، (۱۳۸۸)، اندازه‌گیری شاخص‌های فقر بر اساس عملکرد تغذیه خانوارهای روستایی، پژوهش‌های اقتصادی، سال نهم، شماره سه، صص ۲۰۵-۲۳۱.
- خسروی نژاد، علی‌اکبر (۱۳۹۱). برآورد فقر و شاخص‌های فقر در مناطق شهری و روستایی، فصلنامه مدل‌سازی اقتصادی، سال ۶، شماره ۲، صص ۳۹-۶۰.
- دادور خانی، فضیله، محمد سلمانی، صامت فرهادی، زهره زارع، (۱۳۹۰)، حکمروایی خوب راهبردی برای کاهش فقر روستایی، فصلنامه نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، سال ۳، شماره ۴، صص ۱۰۳-۱۲۰.
- داودی فارسانی، الهه، مهدی نوری پور، (۱۳۹۵)، بررسی رابطه فقر روستایی و تخریب مراتع بخش مرکزی شهرستان فارس، پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی، سال ۵، شماره ۱۵، صص ۶۵-۸۷.
- راغفر، حسین، (۱۳۹۰)، گزارش وضعیت اجتماعی ایران (۱۳۸۸-۱۳۸۰)، تهران، موسسه رحمان.
- رحیمی، مجید، حمید محمدی، (۱۳۸۶)، شاخص‌های فقر و تغییرات رفاهی خانوارهای روستایی، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ۶، شماره ۲۴، صص ۱۲۳-۲۰۵.
- رضوانی، محمدرضا، (۱۳۸۷)، مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی توسعه روستایی در ایران، تهران: نشر قومس.
- رضوی، سیدحسن، (۱۳۷۷)، روستا؛ فقر، توسعه، جلد اول: مفاهیم، رهیافت‌ها و شاخص‌ها، سلسله انتشارات روستا و توسعه، شماره ۳۱.
- رومیانی، احمد، جمشید عینالی، مرضیه هادی پور، محمد حجتی پور، (۱۳۹۵)، برآورد و سنجش رابطه اثرگذاری گردشگری با کاهش فقر در مناطق روستایی مطالعه موردی: روستاهای چنگوره و اسماعیل آباد - شهرستان آوج، فصلنامه فضای گردشگری، سال ۴، شماره ۲۰، صص ۸۱-۹۸.
- رئیسی، رقیه، بهاء‌الدین نجفی، پژمان باقری، (۱۳۹۲)، بررسی اثربخشی عضویت زنان در شرکت‌های تعاونی روستایی برافزایش اشتغال و کاهش در خانواده بر اساس مدل لاجیت، مجله مطالعات اجتماعی - روانشناختی زنان، سال ۱۱، شماره ۴، صص ۱۶۴-۱۳۵.
- زاهدی مازندرانی، محمدجواد، (۱۳۸۴). فقر روستایی، روند و اندازه‌گیری آن در ایران. فصلنامه رفاه اجتماعی شماره ۱۷، صص ۱-۴۱.
- سرایلو، سمیرا، محمدرضا مهرجردی، کوهسار خالدی، (۱۳۹۰). اثر مخارج تحقیقات بخش کشاورزی بر فقر روستایی ایران، فصلنامه علمی - پژوهشی روستا و توسعه، ۱۴، صص ۱۷ - ۲.
- شادی‌طلب، زاله، فرشته حجتی کرمانی، (۱۳۸۷)، فقر و سرمایه اجتماعی در جامعه روستایی، فصلنامه علمی و پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ۷، شماره ۲۸، صص ۳۵-۵۶.
- شاه‌آبادی، ابوالفضل، فریبا مهری تلیایی، (۱۳۹۵)، تأثیر انباشت تحقیق و توسعه (داخلی و خارجی) و سرمایه انسانی بخش کشاورزی بر فقر مناطق روستایی ایران، فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای، سال ۷، شماره ۲۵، صص ۱-۱۴.
- شریفی‌نیا، زهرا، سیدرحیم مشیری، افشار علی‌حسینی، (۱۳۹۰)، نقش فقر روستایی بر توسعه پایدار (تخریب محیط‌زیست: مرتع) مطالعه موردی: بخش پشت آب شهرستان زابل، فصلنامه جغرافیایی سرزمین، سال ۷، شماره ۲۶، صص ۱۵-۲۹.

- شکر بیگی، عالی و رضا مستمع، (۱۳۹۳)، فراتحلیل مطالعات انجام شده پیرامون خشونت علیه زنان، مجله جامعه شناسی ایران، دوره ۱۵، شماره ۲، صص ۱۷۳-۱۵۳.
- شکور، علی، علی شمس‌الدینی، سیداسماعیل جوادی حقیقی، (۱۳۹۵)، سنجش عملکرد کمیته امداد در فقرزدایی از مناطق روستایی با تأکید بر پارامترهای توسعه (مورد مطالعه: شهرستان شیراز)، نشریه مطالعات محیطی هفت حصار، شماره ۱۷، سال ۵، صص ۶۳-۷۲.
- شکوری، علی، شقایق بهرامی، (۱۳۹۳)، مطالعه تأثیر گردشگری روستایی بر کاهش فقر از منظر معیشت پایدار: مورد مطالعه روستاهای قلعه‌نو و کلین شهرستان ری، فصلنامه توسعه روستایی، دوره ۶، شماره ۱، صص ۱-۲۴.
- شیروانیان، عبدالرسول، محمد بخشوده، (۱۳۸۷)، بررسی میزان آسیب‌پذیری در برابر فقر در مناطق روستایی شهرستان فسا، فصلنامه اقتصاد کشاورزی، جلد ۳، شماره ۳، صص ۹۰-۶۷.
- صابری‌فر، رستم، صدیقه قیصری، (۱۳۸۸)، مدیریت اجتماعی مناطق روستایی و کاهش فقر: مطالعه موردی منطقه حسین‌آباد غنیاب سربیشه، فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۲، شماره ۲، صص ۳۶-۱۵.
- صادقی، حسین، آزاده داودی، (۱۳۹۰)، آثار مخارج دولت بر نرخ فقر روستایی در ایران، فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، سال ۱۹، شماره ۵۸، صص ۱۰۷-۱۲۶.
- صامتی، مجید، علیرضا کرمی، (۱۳۸۳)، بررسی تأثیر هزینه‌های دولت در بخش کشاورزی بر کاهش فقر روستایی در کشور، مجله تحقیقات کشاورزی، شماره ۶۷، صص ۲۳۴-۲۱۳.
- عبداللهی، عبدالله، محمد ولایی، آرزو انوری، (۱۳۹۲)، ارزیابی اثرات سرمایه اجتماعی در کاهش فقر روستایی مورد: روستای قیچاق، شهرستان میاندوآب، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال ۲، شماره ۴، صص ۱۵۲-۱۳۳.
- عبدلی، قهرمان، ویدا ورهرامی، (۱۳۸۹)، تأثیر بهبود تولیدات کشاورزی بر فقر در بخش روستایی، فصلنامه پژوهش‌های روستایی، دوره ۱، شماره ۲، صص ۹۰-۷۳.
- عربی، مصطفی، مهدی خداپرست مشهدی، (۱۳۹۳)، مقایسه معیارهای رفاه اجتماعی، توزیع درآمد و فقر خانوارهای روستایی استان خراسان شمالی و کشورهای طی سال‌های ۱۳۹۰-۱۳۸۴، فصلنامه راهبردهای توسعه روستایی، جلد ۱، شماره ۲، صص ۵۰-۳۵.
- عمرانی، محمد، ذکریا فرج زاده، مجید دهمرده، (۱۳۸۸)، عامل‌های تعیین‌کننده فقر و تغییرات رفاهی خانوارهای روستایی منطقه سیستان، مجله تحقیقات کشاورزی، جلد ۱، شماره ۲، صص ۴۲-۲۱.
- عینالی، جمشید، احمد رومیانی، سمیه صانعی، (۱۳۹۵)، سرمایه‌گذاری بخش خصوصی راهبردی برای مبارزه با فقر روستایی مورد شناسی: دهستان صائین قلعه، شهرستان ابهر، فصلنامه جغرافیا و آمیض شهری - منطقه‌ای، شماره ۲۳، صص ۱۲۶-۱۱۳.
- فهرستی ثانی، مسعود، ایرج صالح، حبیب‌الله سلامی، (۱۳۸۶) بررسی وضعیت فقر و توزیع درآمد در مناطق روستایی ایران با تأکید بر تأثیر سرمایه‌گذاری‌های عمرانی دولت، مجله علوم کشاورزی، شماره ۳، صص ۳۸-۲.
- فیروزآبادی، سیداحمد، دلارام عظیم زاده، (۱۳۹۱)، فقر روستایی و تخریب محیط‌زیست (مورد مطالعه روستاهای سرخون و بیدله از توابع استان چهارمحال و بختیاری)، فصلنامه توسعه روستایی، دوره چهارم، شماره ۲، صص ۹۹-۱۲۰.

- قرنی آرانی، بهروز، (۱۳۹۴)، بررسی کمی نقش برنامه‌ریزی مشارکتی و کاهش فقر روستایی مورد شناسی: شهرستان فیروزکوه، روستای لزور، مجله جغرافیا و آمایش شهری - منطقه‌ای، شماره ۱۵، صص ۱۱۷-۱۳۶.
- کرمی، ایتاله، یاسر مردانی، (۱۳۹۴)، بررسی تأثیر متغیرهای کلان اقتصادی بر شاخص‌های فقر در مناطق روستایی ایران، مجله تحقیقات کشاورزی، جلد ۷، شماره ۲، صص ۱۲۳-۱۰۹.
- کریم، محمدحسین، فتانه نیک‌بخش، علیرضا سرگز، ماشاله سالارپور، (۱۳۹۲)، تاثیر آزادسازی تجاری بر فقر روستایی ایران، فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان، سال ۱، شماره ۲، صص ۷۶-۷۱.
- کشاورز، مرضیه، (۱۳۹۴)، واکاوی علل بنیادین فقر روستایی در استان فارس با استفاده از تحلیل مقایسه‌ای کیفی مجموعه فازی، مجله اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال ۲۴، شماره ۹۶، صص ۱۰۷-۷۷.
- گریوانی، فاطمه، محمدطاهر احمدی شادمهری، محمدعلی فلاحی، (۱۳۹۲)، بررسی عوامل فقر خانوارهای روستایی در خراسان شمالی، فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۶، شماره ۳، صص ۱۴۵-۱۲۵.
- محمدزاده، پرویز، محمدعلی متفکرزاده، سیدکمال صادقی، صمد حکمتی فرید، (۱۳۹۱)، کاربرد الگوی حکمن دومرحله‌ای در بررسی عوامل تعیین‌کننده شکاف فقر خانوارهای شهری و روستایی کشور، فصلنامه علمی- پژوهشی مطالعات اقتصادی کاربردی ایران، سال ۱، شماره ۴، صص ۳۱-۱.
- محمدی یگانه، بهروز، مهدی چراغی، زهرا یزدانی، (۱۳۹۳)، تحلیل عوامل مؤثر بر توزیع فضایی فقر در نواحی روستایی، با تأکید بر ویژگی‌های اقتصادی - اجتماعی، مورد شناسی؛ دهستان محمودآباد، شهرستان شاهین دژ، مجله جغرافیا و آمایش شهری - منطقه‌ای، شماره ۱۳، صص ۹۶-۸۳.
- محمدی، دادگر، عبدالرسول شیروانیان، غلامرضا چابکرو، (۱۳۹۵)، بررسی فقر اقتصادی عشایر اسکان یافته استان فارس و تعیین عوامل مؤثر بر آن، فصلنامه روستا و توسعه، شماره ۳، صص ۱۱۹-۱۰۱.
- محمودی، وحید (۱۳۸۶). اندازه‌گیری فقر و توزیع درآمد و در ایران، چاپ ۱، تهران، انتشارات سمت.
- مدنی قهفرخی، سعید، (۱۳۹۴)، ضرورت مبارزه با پدیده فقر و نابرابری در ایران، چاپ دوم، انتشارات آگاه، تهران.
- معصومی، سیده مهرنوش، (۱۳۹۰): بررسی روند فقر در ایران با استفاده از یک شاخص ترکیبی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی.
- موفقیان، ناصر، (۱۳۸۲)، درباره روش‌های تعریف و سنجش فقر، فصلنامه تأمین اجتماعی، سال پنجم، شماره ۱۳، صص ۳۴۴-۳۶۱.
- مولایی، محمد، (۱۳۹۳)، بررسی روند فقر و علت‌های آن در خانوارهای روستایی طی سال‌های ۹۱-۱۳۶۲، فصلنامه راهبردهای توسعه روستایی، جلد ۱، شماره ۳، صص ۴۶-۳۳.
- مؤمنی، فرشاد، محمدقلی یوسفی، اصغر مبارک، (۱۳۸۹)، بررسی عوامل تعیین‌کننده رشد بهره‌وری و فقر در مناطق روستایی ایران، مجله پژوهش‌های روستایی، دوره ۷، شماره ۲۷، صص ۶۸-۴۷.
- نجفی، بهاء‌الدین، آشان شوشتریان، (۱۳۸۶)، برآورد خط فقر، اندازه آن و بررسی تعیین‌کننده‌های آن در خانوارهای روستایی و شهری ایران، فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال ۱۵، شماره ۵۹، صص ۱۰۱-۱۱۶.
- نیازی، محسن. طاها عشایری، موسی سعادت، حسن منتظری خوش، فاطمه عمرانی نژاد، (۱۳۹۵). تبیین جامعه‌شناختی فرهنگ فقر روستایی مطالعه‌ای در باب روستاهای اردبیل، مجله مسائل اجتماعی ایران، سال هشتم، شماره ۱، صص ۱۶۸-۱۷۷.

- یاسوری، مجید، سیده فاطمه امامی، (۱۳۹۶)، **سنجش وضعیت فقر در نواحی روستایی مطالعه موردی: دهستان سروان شهرستان رشت**، نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، سال ۱۸، شماره ۴۸، صص ۹۵-۱۱۴.
- یزدان پناه، محدثه، حسین راغفر، (۱۳۸۹)، **محاسبه شاخص‌های فقر کودکان در بین جمعیت روستایی و شهری (۱۳۸۶-۱۳۶۳)**، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ۹، شماره ۳۵، صص ۲۱۹-۱۸۳.
- یوسفی، علی، شکیبا مهدیان، سکینه خلیج، (۱۳۹۴)، **شناسایی عوامل تعیین‌کننده فقر چندبعدی در مناطق روستایی ایران**، فصلنامه پژوهش‌های روستایی، دوره ۶، شماره ۴، صص ۷۲۱-۶۹۹.
- Berhane, G., & Gardebroek, C. (2011). **Does microfinance reduce rural poverty? Evidence based on household panel data from northern Ethiopia**. *American Journal of Agricultural Economics*, 93(1), 43-55.
- Kotlymov V.M., Komarova A. I.(2007), **Elsevier's Dictionary of Geography**, Moscow, Russia.
- Odekon, Mehmet (2010), **Encycloprdia of world poverty**, N. Y.: Thousand Oaks.
- Radeny, M., van den Berg, M., & Schipper, R. (2012). **Rural poverty dynamics in Kenya: Structural declines and stochastic escapes**. *World Development*, ۴۰(۸), ۱۵۷۷-۱۵۹۳.
- Scherr, S.J., (2000) **A downward spiral? Research evidence on the relationship between poverty and natural resource degradation**. *Food Policy* 25 (4), 479-498.
- Singer, Peter (2009). **The life you can save: Acting Now to end world poverty**. New York:
- Srinivasan T. N. (2000), **poverty and under nutrition in south Asia**, food policy, No. 25.
- Wallace. Ian (2007): **a framework for revitalization of rural education and training systems in sub-Saharan Africa: Strengthening the human resource base for food security and sustainable livelihoods**, *International Journal of Eductional Development* 27.
- Warf B. (2006), **Encyclopedia of human geography**, Sage Publication, USA.
- Yao. Shujie (2002), **China's rural economy in the first decade of the 21 st century: problems and growth constraints**, *China Economic Review* 13.
- Zeller, M., Manohar, Sh., Carla, H. and Cecile, L., (2006) **An Operational Method for assessing the poverty Outreach performance of Development Policies and projects: Results of Case Studies in Africa**, *Wotld Development*, Vo 1. 34, No. 3.
- Zhou, Y., & Liu, Y. (2019). **The geography of poverty: Review and research prospects**. *Journal of Rural Studies*.